

مقدمه

در دهه گذشته، اقتصاد ترکیه رشد چشمگیری را تجربه نمود. تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره مذکور، تقریباً سه برابر گردیده و در پایان سال ۲۰۱۳ به ۸۲۰ میلیارد دلار آمریکا رسید. ترکیه با جمعیت ۷۶/۷ میلیون نفر، دارای درآمد سرانه حدود ۱۰,۷۰۰ دلار می‌باشد. مطابق نظر صندوق بین‌المللی پول، در حال حاضر تولید ناخالص داخلی کشور بر مبنای نظریه برابری قدرت خرید، در سطح دنیا، جایگاه شانزدهم و در سطح اروپا مقام ششم را به خود اختصاص می‌دهد. هدف دولت رساندن GDP سرانه به رقم ۲۵ هزار دلار برای سال ۲۰۲۳ می‌باشد.

پس از رویارویی با نرخ‌های رشد بالا در دوران پس از بحران، اقتصاد ترکیه توانست ریزنی‌های خود در خصوص وام‌های کم بهره را در سال ۲۰۱۲ انجام دهد؛ وامهایی که می‌توانست به کاهش ناتعادلی‌های اقتصادی کمک نماید. مقامات کشور توانستند ضمن کاهش کسری حساب جاری از سطح هشدار، فشارهای تورمی را تقلیل داده و اشتغال‌زایی را افزایش دهند.

اما وابستگی به واردات صنایع کارخانه‌ای همچنان حاکی از ضعف ساختاری است. نرخ رشد کمتر، بر سوددهی شرکت‌ها در سال ۲۰۱۴ اثرات منفی خواهد داشت. ریسک‌سنجی بخشهای اقتصادی صورت گرفته توسط موسسه کوفاس که عملکرد مالی شرکت‌ها را در صنایع مختلف، توأم با تجربه پرداخت کوفاس نشان می‌دهد، بیانگر افزایش ریسک‌های بخش شرکتی می‌باشد. به ویژه شرکت‌هایی که عواید صادراتی نداشته یا ساختار سرمایه آنها شکننده و آسیب‌پذیر است، با مشکلاتی از قبیل رشد کمتر، گردش پولی ضعیف‌تر و هزینه‌های تولید بالاتر مواجه خواهند شد. این مسائل منجر به کاهش حاشیه سود و در نتیجه افزایش ریسک ورشکستگی خواهد شد.

به علاوه، توسعه سیاسی نیز نقش بسیار مهمی در روند آتی اقتصاد خواهد داشت. ترکیه انتخابات محلی خود را در ۳۰ مارس برگزار نمود که حزب عدالت و توسعه حدود ۴۵٪ آراء را به خود اختصاص داد. اما هنوز کشور با دو انتخابات دیگر در طول سال جاری روبروست و ریسک افزایش تنش‌های سیاسی در داخل کشور وجود دارد.

چنانچه مانند ماه‌های دسامبر و ژانویه، تنش‌ها دوباره شدت گیرند، ممکن است اعتماد سرمایه‌گذاران سلب شده و بازار ارز با نوسان مواجه شود. بروز چنین وضعیتی می‌تواند بر ذخیره دیون خارجی بخش شرکتی که تاکنون در سطح بالایی قرار داشته، تأثیر منفی داشته باشد. با در نظر گرفتن این مجموعه عوامل، کوفاس چشم‌اندازی منفی در ارزیابی کشور ترکیه که در حال حاضر A4 می‌باشد، لحاظ نمود.

در گزارش حاضر، تمرکز اصلی بر صنایع خودرو، منسوجات و ساخت و ساز (عمدتاً مسکن) می‌باشد، زیرا آنها از صنایع پیشرو ترکیه محسوب گردیده و بعنوان شاخص‌های مناسب و برتر

چشم‌انداز اقتصادی در دوران آتی در نظر گرفته می‌شوند. عوامل منفی نظیر افزایش‌های مالیاتی، نرخ‌های بالاتر بهره، افزایش قیمت ناشی از کاهش ارزش لیر و اقدامات محدود کننده وام‌های مصرفی، بر تقاضای خودرو در ترکیه طی سال ۲۰۱۴ تأثیر خواهند داشت. تولیدکنندگان برتر جهانی خودرو جهت مدیریت ریسک‌های مالی خود از توان کافی برخوردار می‌باشند، اما ممکن است واسطه‌گران و توزیع‌کنندگان با برخی چالش‌ها مواجه گردند. انتظار می‌رود فروش داخلی افت داشته باشد؛ اما صادرات می‌تواند بخشی از ضعف بازار داخلی را جبران نماید. فروش مسکن بیانگر آن است که تقاضای مسکن بالاتر از میزان پیش‌بینی شده در سه ماهه اول سال بوده است. با این وجود، در دوره پیش رو، افزایش نرخ بهره و محدودیت در اعطای وام مصرفی می‌تواند تأثیر منفی بر بخش مسکن داشته باشد. کسادی بخش مسکن، تأثیر نامطلوبی بر صنایع عرضه‌کننده نظیر لوازم خانگی سفید، سیمان، شیشه و غیره بر جای خواهد گذاشت. صنایع منسوجات و پوشاک با برخورداری از دانش مناسب، ماشین‌آلات با کیفیت خوب و توانمندی قابل ملاحظه، قادر به رفع سریع نیازها خواهند بود. کاهش ارزش لیر و بهبود اوضاع اقتصادی اروپا از صادرات منسوجات و پوشاک ترکیه پشتیبانی خواهد نمود.

تحلیل اقتصاد کلان ترکیه: رکود و توازن مجدد

بخش اول: توسعه اخیر در اقتصاد ترکیه

پس از کاهش رشد اقتصادی ترکیه در سال ۲۰۱۲، این کشور توانست به پشتوانه تقاضای داخلی، به ویژه افزایش مخارج مصرفی خانوارها و هزینه‌های عمومی، در سال ۲۰۱۳ رشد خود را تسریع بخشد. اقتصاد کشور رشد بیش از انتظار ۴ درصدی را در سال ۲۰۱۳ پشت سر گذاشت. می‌توان گفت علیرغم کاهش تدریجی نقدینگی جهانی، عدم اطمینان سیاسی و نرخ‌های بالای بهره، این رقم کماکان بالاتر از حد انتظار ۳/۶ درصدی دولت برای برنامه میان مدت کشور است. مجموع تقاضای داخلی ۶/۴٪ به رشد اقتصادی کشور در سال ۲۰۱۳ کمک نموده که بالاتر از رقم مشابه سال قبل یعنی ۱/۹-٪ می‌باشد.

میزان پشتیبانی هزینه‌های عمومی و خصوصی از رشد اقتصادی ۳/۷٪ بوده است. کمک سرمایه‌گذاری کل نیز ۱/۱٪ می‌باشد که رقم اندکی است. اما میزان حمایت خالص صادرات به علت تقاضای قوی داخلی و واردات بالای طلا در خلال سال، منفی شده است. در واقع خالص صادرات باعث گردید تا نرخ رشد اقتصاد به طور کلی ۲/۳٪ تنزل یابد.

علیرغم رشد قوی سالانه در ۲۰۱۳، داده‌های فصلی نشان می‌دهد آهنگ رشد اقتصادی رو به کاهش است. مطابق داده‌های تعدیل یافته بر اساس فصل و اثرات تقویمی، پس از افزایش ۲ درصدی در فصل دوم سال، سرعت رشد فصلی در فصل سوم و چهارم به ترتیب به ۰/۸٪ و ۰/۵٪ کاهش یافت. برخی از شاخص‌های عمده نشان می‌دهد مصرف رو به کاهش است. این امر عمدتاً ناشی از افزایش سریع نرخ بهره از سوی بانک مرکزی در اواخر ماه ژانویه می‌باشد که در پاسخ به تنزل شدید ارزش

لیر ترکیه صورت گرفته است. در ماه‌های ژانویه تا آوریل ۲۰۱۴، فروش وسایل نقلیه تجاری سبک و خودرو ۲۵/۵٪ نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. همچنین فروش مسکن در دوره زمانی ژانویه تا مارس ۲۰۱۴، ۶٪ نسبت به دوره زمانی مشابه سال قبل تنزل یافته است. همزمان با افزایش نرخ‌های بهره و اقدامات تحدیدی بر وام‌های مصرفی، آهنگ رشد وام‌ها کند شده و واردات نیز در ماه‌های فوریه و مارس کاهش یافته است. رشد سالانه وام‌های مصرفی از حدود ۲۸٪ در ماه اکتبر به رقم تقریبی ۲۲٪ در اوایل ماه آوریل محدود گردیده است.

در سمت تولید، بهبود اوضاع اتحادیه اروپا و کاهش ارز لیر به عنوان عوامل حمایتی برای صادرات ترکیه محسوب می‌شوند. در ماه مارس، صادرات کشور به اتحادیه اروپا ۱۳/۵٪ بالا رفت و سهم این اتحادیه از صادرات ترکیه به ۴۱/۳٪ رسید. طی ۱۲ ماه گذشته تا ماه مارس، بیشترین میزان صادرات ترکیه به آلمان، با رقم ۱۴ میلیارد دلار آمریکا بود. بررسی بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد تولیدکنندگان نسبت به سفارشات صادراتی سه ماه آینده، خوشبین هستند.

بر اساس پیش‌بینی کوفاس، رشد اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۱۴، به ۲٪ کاهش خواهد یافت که این امر ناشی از نرخ‌های بالای بهره، تضعیف تقاضای داخلی، محدودیت قدرت خرید ناشی از تورم بالا و کاهش تدریجی نقدینگی جهانی می‌باشد.

کسری عظیم حساب جاری، همچنان چالش اصلی ترکیه باقی می‌ماند. کشور در تلاش است تا توسعه اقتصادی خود را با یک نرخ پس‌انداز پایین متوازن سازد. طی دهه گذشته، سهم بخش تولیدات کارخانه‌ای در تولید ملی از حدود ۲۰٪ به ۱۵٪ کاهش یافت. رشد مصرف محور طی دهه گذشته و واردات مواد منفجره، باعث گسترش کسری حساب جاری ترکیه گردیده و آن را به سطح هشداردهنده‌ای رسانده است. این مسئله اقتصاد کشور را نسبت به توقف ناگهانی جریان‌ات ورود سرمایه، آسیب‌پذیر می‌سازد. صنایعی که بیشترین حجم صادرات را دارند (خودرو، ماشین‌آلات، فولاد، پلاستیک و سایر) با میزان بالایی از واردات نیز مواجهند؛ زیرا ترکیه با مشکل کمبود مواد اولیه روبروست. وابستگی صنایع ترکیه به واردات کالاهای واسطه‌ای و افزایش ارزش لیر تا زمان اعلام سیستم بانکداری مرکزی ایالات متحده^۱ به کاهش تدریجی آن، جزو عوامل مهم کسری تجاری پایدار کشور قرار دارند.

جدول وابستگی صادرات ترکیه به واردات در سال ۲۰۱۳ (ارقام به میلیارد دلار آمریکا)

تفاوت	واردات	صادرات	
۰/۲	۱۶/۸	۱۷	وسایل نقلیه موتوری
-۱۷/۲	۳۰/۲	۱۳	بویلرها، ماشین‌آلات
۸/۳	۰/۹	۹/۲	اقلام بافته شده
-۸/۸	۱۸/۷	۹/۹	آهن و فولاد

¹ Federal Reserve

ماشین آلات و تجهیزات	۹/۵	۱۷/۸	-۸/۳
اشیاء از آهن و فولاد	۶/۱	۲/۸	۳/۳
سنگ‌های قیمتی	۷	۱۶/۲	-۹/۲
اقلام بافته نشده	۵/۷	۱/۹	۳/۸
سوختهای معدنی	۶/۷	۵۶	-۴۹/۳
پلاستیک	۵/۶	۱۳/۹	-۸/۳

پس از آنکه تولید ملی سال ۲۰۱۱ به ۱۰٪ رسید، کسری تجاری به حدود ۶٪ در سال ۲۰۱۲ کاهش یافت. در سال ۲۰۱۳ کسری تجاری با ۱۶/۵٪ رشد نسبت به سال قبل، به رقم ۶۵ میلیارد دلار رسید. یکی از دلایل اصلی گسترش کسری تجاری، افزایش واردات طلا بود. واردات طلای ترکیه در سال ۲۰۱۳ به رقم ۱۵ میلیارد دلار بالغ گردید که نسبت به سال ۲۰۱۲، ۱۰۰٪ افزایش داشت. در سال ۲۰۱۳ کسری تجاری مربوط به طلا به ۱۱ میلیارد دلار افزایش یافت؛ در حالیکه در سال گذشته، رقم مشابه با ۵/۷ میلیارد دلار مازاد مواجه گردیده بود. سیاست عادی‌سازی روند تجارت طلا برای پوشش بخشی از شکاف کسری تجاری، از اواخر سال ۲۰۱۳ آغاز شده است. سهم واردات پوشش داده شده توسط صادرات در سه ماهه اول ۲۰۱۴ به ۷۰٪ رسید که نسبت به رقم ۶۳٪ دوره مشابه سال قبل اندکی بهبود یافته است.

حدود ۲۵٪ از کسری خارجی توسط جریان‌ات ورودی کوتاه مدت پرتفوی و ۴۰٪ آن با کمک وام‌های خارجی به بخش واقعی اقتصاد و بانکها تأمین مالی می‌گردد. انتظار می‌رود همگام با کند شدن آهنگ رشد اقتصادی، شکاف کسری تجاری در سال ۲۰۱۴ کوچکتر شود.

به علت پایین بودن سطح پس‌اندازهای داخلی، اقتصاد ترکیه برای تأمین مالی سرمایه‌گذاریها و رشد اقتصادی، به شدت بر ورود جریان‌های سرمایه‌ای متکی است. مطابق برنامه سالانه دولت، پس‌انداز ملی با رقم ۱۲/۶٪ تولید ناخالص داخلی، رکود پایینی را در سال ۲۰۱۳ از خود به جا گذارد.

به منظور ارتقاء سطح پس‌اندازهای ملی و کاهش وابستگی اقتصادی به وجوه مالی خارجی، مقامات ترکیه در ماه نوامبر یک سری اقدامات احتیاطی را در سطح کلان آغاز نمودند. هدف از این اقدامات، مقابله با رشد افسار گسیخته وام‌های مصرفی بود.

اقدامات جدید شامل محدود نمودن تعداد اقساط برای برخی کالاها و افزایش میزان پیش‌پرداخت برای وام خودرو بود. دولت نیز اقداماتی را برای تشویق پس‌اندازهای خصوصی و انرژی تجدیدپذیر آغاز نمود. مقررات جدید برای توسعه و تسریع ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در راه است. در راستای این اقدامات، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۴ سطح پس‌اندازها به ۱۳/۷٪ تولید ناخالص داخلی افزایش یابد.

برای دوران پیش رو، احیای بازار اروپا و کاهش ارزش لیر عواملی هستند که از صادرات ترکیه پشتیبانی خواهند کرد. به ویژه انتظار می‌رود کالاهای با ارزش افزوده بالا (خودرو، کالاهای مصرفی بادوام) و خدمات مربوط به گردشگری از افزایش تقاضای اروپا (۴۵٪ گردشگران) منتفع گردند.

طی بحران جهانی، صادرکنندگان ترکیه‌ای به طور موفقیت‌آمیزی بازارها و محصولات صادراتی خود را تنوع بخشیده‌اند. گرچه اروپا همچنان به عنوان شریک اصلی تجاری محسوب می‌شود، سهم صادرات ترکیه به ۲۸ کشور این اتحادیه از رقم ۵۷٪ در سال ۲۰۰۷ به ۴۱/۵٪ در سال ۲۰۱۳ تنزل نموده است. در همین دوران، سهم صادرات ترکیه به خاور دور و نزدیک از ۱۴٪ به ۲۳٪، به آسیا از ۵٪ به ۸٪ و به شمال آفریقا از ۴٪ به ۶/۶٪ افزایش یافته است.

صادرات ترکیه به کشورهای اروپا عمدتاً اقلام بادوام است. از آنجا که اینگونه کالاها حساسیت بالایی نسبت به رشد اقتصادی دارند، بهبود اوضاع اقتصادی اروپا می‌تواند صادرات ترکیه را در سالهای آتی بهبود بخشد. شاخص‌های اخیر نشان‌دهنده افزایش سهم صادرات ترکیه به کشورهای اروپایی با بهبود چشمگیر (پس از بحران) می‌باشد. از ماه مارس، صادرات ترکیه - بر مبنای تجمعی ۱۲ ماهه - به کشورهای آلمان و انگلیس به ترتیب معادل ۱۴ و ۹ میلیارد دلار بوده است.

ذخیره دیون خارجی ترکیه عامل دیگری در آسیب‌پذیری اقتصاد کشور است. در سال ۲۰۱۳، کل ذخیره بدهی‌های خارجی به ۳۸۸ میلیارد دلار یعنی حدود ۴۷٪ تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. ریسک اصلی در بخش واقعی اقتصاد است که ذخیره دیون خارجی کوتاه مدت آن به ۳۶ میلیارد دلار می‌رسد. گرچه این رقم به نظر بالاست، باید به خاطر داشت که اکثر آنها، شرکت‌هایی بزرگ با درآمدهای ارزی هستند.

طی دوره‌های آشفتگی مالی گذشته، شرکت‌های بخش دولتی و خصوصی ترکیه همیشه توانسته‌اند از عهده بدهی‌های خود برآیند. بر اساس مطالعه صورت گرفته توسط بانک مرکزی، صرفاً ۱۲٪ از حدود ۹۵۰۰ شرکت فاقد عواید صادراتی، بدهی خارجی دارند. ۶۳٪ از شرکتها، بدهی خارجی ندارند. گرچه با وجود بالا بودن میزان ذخیره دیون خارجی، هر گونه آشفتگی سیاسی در پیش روی انتخابات می‌تواند بار بدهی بخش شرکتی را از طریق کاهش ارزش پول ملی بیشتر نماید.

ترکیه برای کاهش وابستگی خود به واردات و ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه، اصلاحاتی را بعمل آورده است. صورت‌حساب سالانه واردات انرژی حدود ۶۰ میلیارد دلار می‌باشد که تأثیر به‌سزایی بر شکاف خارجی این کشور بر جای گذاشته است. از این رو انجام اصلاحات با هدف کاهش هزینه انرژی، اهمیت بالایی دارد.

دولت از منابع انرژی تجدیدپذیر حمایت کرده و نیروگاه هسته‌ای تاسیس می‌نماید. از طرف دیگر، محصولات با ارزش افزوده بالا، درآمدهای صادراتی کشور را افزایش می‌دهند. فرآیند تولید این محصولات، مستلزم نوآوری، تکنولوژی و خلاقیت بالا می‌باشد. هدف ترکیه آن است که بودجه تخصیص یافته به مخارج تحقیق و توسعه را از ۹/۲٪ GDP در سال ۲۰۱۲ به رقم ۳٪ تا سال ۲۰۲۳ ارتقاء دهد.

جنبه دیگر از اصلاحات ساختاری، افزایش انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار است. ترکیه نیازمند آن است که مشارکت افراد به سن کار رسیده در بازار نیروی کار، به ویژه زنان را گسترش دهد. در سال ۲۰۱۳، نرخ مشارکت نیروی کار ۵۰/۸٪ بود. گرچه نرخ مذکور از سال ۲۰۰۴ به تدریج افزایش یافته،

اما در مقایسه با متوسط کشورهای عضو OECD یعنی ۷۰٪ همچنان پایین است. بر حسب تعداد ساعات کار، ترکیه از متوسط OECD بالاتر است اما بهره‌وری نیروی کار همچنان کمتر است. ترکیه اصلاحات گسترده‌ای نیز در حوزه آموزش بعمل آورده است. مطابق داده‌های وزارت دارایی، ۳۹٪ جمعیت ترکیه در مقایسه با رقم ۲۲٪ اتحادیه اروپا، دانش‌آموز هستند. دولت سهم آموزش در بودجه را از ۹/۴٪ در سال ۲۰۰۲ به ۱۸٪ در سال ۲۰۱۴ افزایش داده و نرخ ناخالص تحصیل در مقاطع تکمیلی آموزش از رقم ۳۵/۸٪ در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۰۳ به ۹۲/۱٪ در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ ارتقا یافته است. آموزش اجباری در کشور ۱۲ سال طول می‌کشد. اما همچنان بین مهارت‌های کسب شده دوران آموزش و کیفیت لازم برای بازار نیروی کار، ارتباط چندانی وجود ندارد. نیروی کاری که سطح آموزش آنها کمتر از دبیرستان است، تقریباً ۶۰٪ کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند. سطح اشتغال ۴۸/۹٪ می‌باشد که رقم نسبتاً پایینی است. این امر عمدتاً ناشی از اندک بودن نرخ اشتغال خانم‌ها یعنی رقم ۲۷٪ می‌باشد.

معرفی سیستم دستمزد بخش خصوصی نیز به افزایش اندک سطح پس‌انداز خصوصی کمک نموده است. تا پایان ماه مارس، تعداد افراد مشارکت‌کننده در سیستم دستمزد بخش خصوصی به ۴/۴ میلیون نفر رسید و میزان دستمزد آنها به ۲۲/۵ میلیارد لیر بالغ گردید.

همچنین دولت یک استراتژی عرضه نهاده‌های تولید را دنبال نموده که هدف آن کاهش وابستگی به نهاده‌های وارداتی برای تولید داخل و رسیدن به حجم بالایی از صادرات کالاهای با ارزش افزوده داخلی همراه با ارتقاء سطح رقابت‌پذیری است.

ترکیه همچنین در تلاش است تا از طریق اجرای مشوق‌ها و تسهیل مقررات، سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کند. در سال ۲۰۱۲ دولت بسته مشوقی را با هدف افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کمک به تولید و اشتغال از طریق سرمایه‌گذاری‌های با ارزش افزوده بالا و صادرات محور معرفی نمود. ابزار مشوق شامل معافیت از مالیات بر ارزش افزوده، معافیت از عوارض گمرکی، کاهش مالیات، حمایت از حق بیمه تأمین اجتماعی، پشتیبانی از نرخ بهره، تخصیص اراضی، استرداد مالیات بر ارزش افزوده و منع مالیات بر درآمد می‌باشد.

در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۲ فشارهای تورمی در اقتصاد ترکیه شروع به کاهش نمود؛ گرچه نرخ تورم بالاتر از رقم ۵٪ هدف‌گذاری شده از سوی بانک مرکزی برای میان‌مدت بود.

در اواخر سال ۲۰۱۳ توأم با افزایش تنش‌های سیاسی، لیر ترکیه بین ماههای می تا ژانویه حدود ۲۵٪ در مقابل دلار آمریکا تضعیف شده و رکورد پایین ۲/۳۹ در برابر یک دلار را بر جای گذارد. در یک نشست سیاسی شبانه و فوق‌العاده که در اواخر ماه ژانویه برگزار گردید، بانک مرکزی افزایش شدید نرخ بهره را اعلام نمود. در این نشست شبانه، بانک نرخ بهره شبانه وام‌دهی بین‌بانکی را از ۷/۷۵٪ به ۱۲٪ و نرخ بهره شبانه استقراض بین‌بانکی را از ۳/۵٪ به ۸٪ افزایش داد. اگر چه بانک مرکزی بار دیگر نرخ بهره سیاسی خود را در ماه می، تا ۵۰٪ کاهش داد، سیاست‌گذاران تصریح نمودند تا زمان بهبود قابل توجه در چشم‌انداز تورم، سیاست پولی انقباضی ادامه خواهد یافت.

توام با استمرار اثرات ناشی از تضعیف پول ملی، در ماه آوریل، قیمت تولیدات داخلی ۱۲/۹۸٪ نسبت به همان ماه در سال گذشته ترقی نمود. در همین ماه تورم مصرف‌کننده نیز ۹/۸٪ نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش یافته است. شاخص‌های اصلی تورم بالاتر از تورم فعلی هستند و شاخص تورمی I به استثنای انرژی، غذا، نوشیدنی‌های غیرالکلی و الکلی، محصولات تنباکو و طلا به ۹/۷۴٪ در ماه آوریل رسید.

بانک مرکزی در گزارش فصلی تورم در ماه آوریل، انتظار خود از شاخص مذکور را از رقم قبلی ۶/۶٪، به ۷/۶٪ افزایش داد و کاهش ارزش لیر و قیمت‌های بالاتر از میزان پیش‌بینی شده غذا و نفت را در این گزارش متذکر شد.

با این وجود شاخص قیمت مصرف‌کننده از دسامبر گذشته تا آوریل، حدود ۵٪ افزایش یافته است. به نظر می‌رسد نرخ تورم در نیمه دوم سال کاهش یابد که این امر ناشی از تضعیف لیر است. گرچه ارزش پول ملی در برابر دلار که در ماه ژانویه در حد بسیار پایینی بوده، تا حدی بهبود یافته، ممکن است در پی انتخابات آتی ریاست جمهوری ماه آگوست فشارهای بیشتری در جهت کاهش ارزش لیر شکل گیرد. با وجود بالاتر بودن چشمگیر نرخ تورم از رقم پیش‌بینی بانک مرکزی در پایان سال، انتظار می‌رود سیاست پولی تا مدتی به صورت انقباضی باقی بماند.

پیش‌بینی افزایش بیکاری به علت کندی رشد اقتصادی

از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۹، ترکیه حدود ۴ میلیون شغل ایجاد نموده است. در ژوئن ۲۰۱۲، نرخ بیکاری تعدیل شده از نظر فصلی، به پایین‌ترین سطح خود یعنی ۸/۹٪، نسبت به رقم ۱۴٪ در اواسط ۲۰۰۹، رسید. در ژانویه ۲۰۱۴، همین نرخ به رقم ۹/۱٪ بالغ گردید. با کند شدن آهنگ رشد اقتصادی پس از اجرای اقدامات احتیاطی در سطح کلان برای مهار تقاضای داخلی و افزایش شدید نرخ بهره از سوی بانک مرکزی، انتظار می‌رود نرخ بیکاری بالا رود.

در ترکیه، حدود ۶۷٪ از جمعیت کشور را گروهی سنی ۱۵ تا ۶۴ سال تشکیل می‌دهند. این مسئله باعث می‌شود جمعیت زیادی در جستجوی کار باشند، در حالی که کارفرمایان کمی متمایل به جذب این نیروی کار هستند. با وجود آنکه جمعیت رو به افزایش است، ترکیه در کاهش بیکاری در میان جوانان موفق بوده و نرخ آن را از ۲۵٪ در سال ۲۰۰۹ به ۱۸/۷٪ در سال ۲۰۱۳ تقلیل داده است.

با این وجود ترکیه هنوز بازار نیروی کار نسبتاً انعطاف‌ناپذیری دارد. بر اساس آمار بودجه وزارت دارائی، ترکیه در میان ۳۴ کشور عضو OECD پایین‌ترین رتبه را از نظر شاخص‌های انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار داراست. مشارکت زنان در نیروی کار ضعیف است. تعداد ساعات کاری هفتگی در ترکیه ۴۸/۹ ساعت است که بسیار بالاتر از متوسط کشورهای OECD یعنی ۳۸/۵ ساعت می‌باشد. مطابق آمار، تنها ۱۱/۸٪ از کل شاغلین کشور ترکیه پاره‌وقت هستند، در حالیکه این نسبت در کشورهای OECD بالاتر و برابر با ۱۶/۹٪ می‌باشد.

بر اساس داده‌های بدست آمده از معاونت وزارت خزانه‌داری، سهم بخش کشاورزی در اشتغالزائی

از نسبت ۳۵٪ در سال ۲۰۰۲ به ۲۳/۶٪ در سال ۲۰۱۳ تنزل یافته است. علیرغم بهبود، سهم بخش کشاورزی همچنان از بخش صنعت که ۱۹/۴٪ از کل شاغلین ۲۰۱۳ را در بر می‌گیرد، بیشتر است. مطابق داده‌های وزارت دارائی، اشتغال غیررسمی از رقم ۵۲٪ در سال ۲۰۰۲، به ۳۶/۷٪ در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. شایان ذکر است که درصد اشتغال غیررسمی از بین کل اشتغال در سطح کشور می‌باشد.

عملکرد مناسب بودجه در شرایط فعلی

یکی از نقاط قوت اقتصاد ترکیه، حساب‌های ملی این کشور است. در سال ۲۰۱۳ کسری بودجه به ۱/۲٪ GDP - نسبت به رقم ۱۲٪ GDP سال ۲۰۰۱ - تنزل یافت. هدف دولت برای پایان سال ۲۰۱۴، رساندن این شاخص به رقم ۱/۹٪ GDP می‌باشد.

بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲، ترکیه با درآمد کل ناشی از خصوصی‌سازی به ارزش ۵۲ میلیارد دلار مواجه گردید. بر اساس صورت‌های مالی اقتصادی، دولت انتظار دارد در سال ۲۰۱۴ کل درآمد ناشی از خصوصی سازی معادل ۶/۹ میلیارد لیر گردد.

طی دهه گذشته، ذخیره دیون ترکیه که توسط اتحادیه اروپا تعریف شده، کاهش یافته است. این ذخیره پس از رسیدن به ۷۴٪ GDP در سال ۲۰۰۲، به ۳۶/۳٪ در سال ۲۰۱۳ کاهش یافت که بسیار پایین‌تر از رقم ۶۰٪ تعیین شده در معاهده ماستریخت می‌باشد.

در دو ماهه اول سال ۲۰۱۴، درآمدهای مالیاتی در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۱۱٪ افزایش یافته که نشان‌دهنده عدم تاثیر رکود تقاضای داخلی بر عملکرد بودجه است. تاکنون ارقام بیانگر آن است که دولت می‌تواند به هدف خود در پایان سال دست یابد.

گرچه ممکن است در دوره آتی، درآمدهای مالیاتی (مالیات بر واردات، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر مصرف ویژه، سایر) کاهش یابد که این مهم ناشی از کاهش تقاضای داخلی و واردات در پی کاهش ارزش لیر است. چنین موقعیتی نظم و انضباط مالی را تهدید خواهد کرد.

جدول داده‌های اقتصاد کلان و پیش‌بینی آنها (درصد تغییرات)

۲۰۱۴ (پیش‌بینی)	۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۲/۰	۴/۰	۲/۲	GDP
۷/۰	۷/۵	۸/۹	تورم (۲)
۰/۵	۴/۶	-۰/۵	مصرف خصوصی
-۲/۰	-۱/۲	-۲/۱	تراز بودجه (۱)
۳۴/۹	۳۶/۳	۳۶/۲	بدهی عمومی (۱)
۵/۵	۰/۱	۱۶/۳	صادرات کالاها و خدمات
نامشخص	۳/۰	۲/۶	تولیدات صنعتی (۲)
۱۰/۰	۹/۷	۹/۲	نرخ بیکاری (۳)
-۶/۱	-۷/۹	-۶/۲	تراز حساب جاری (۱)

درصد تغییرات در شرایط واقعی، به جز (۱) درصد GDP، (۲) میانگین سالانه، (۳) درصد از کل نیروی کار

بخش دوم: تحولات صنعتی

بخش خودرو: کاهش فروش داخلی، تمرکز بر صادرات

صنعت خودرو در اقتصاد ترکیه، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. این صنعت از دهه ۱۹۶۰ رونق یافته و پس از دهه ۱۹۹۰ با ورود به بازار جهانی خودرو، صادراتی و رقابتی گردیده است. از آنجاییکه شرکتهای بزرگ خودروسازی جهان اقدام به ایجاد کارخانه در ترکیه - معمولاً با مشارکت شریک داخلی - نموده‌اند، این کشور تبدیل به کانون صادرات مجدد برای این تولیدکنندگان شده است.

مجموع تولید خودرو در سالهای اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. بر طبق آمار انجمن بین‌المللی تولیدکنندگان خودرو در جهان OICA، ترکیه در سال ۲۰۱۲ شانزدهمین تولیدکننده خودروی جهان با مجموع تولید ۱,۰۷۲,۳۳۹ واحد خودرو (۹/۸ درصد کمتر از سال قبل) بوده است. این کشور در سال ۲۰۱۱ در رده هفدهم جای داشته است.

در خلال دهه گذشته ظرفیت تولید خودرو در ترکیه به شدت افزایش یافته است. حجم تولید بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ سه برابر شده و ظرفیت استفاده از خودرو به ۷۷ درصد رسیده است. مجموع تولید در سال ۲۰۱۳ به ۱/۱۳ میلیون واحد خودرو رسید که نسبت به سال قبل ۵ درصد افزایش داشت. همچنین سهم ارزش افزوده صنعت خودرو در بین ۵۰۰ شرکت بزرگ در سال ۲۰۱۱، ۶/۹ درصد بوده است.

بر طبق آمار انجمن تولیدکنندگان خودرو، سهم بازار خودرو در سال ۲۰۱۳، با ۹٪ افزایش نسبت به سال قبل، به ۸۹۳ هزار واحد افزایش یافت. همچنین بازار خودروهای مسافری با ۱۹ درصد افزایش به سطح بالا و بی‌سابقه ۶۶۵ هزار خودرو رسید که عمدتاً به پشتوانه نرخهای پایین بهره تا سه ماهه آخر سال ۲۰۱۳ و نیز درآمد سرانه بالاتر بود. در عین حال بازار وسایل نقلیه سبک با تاثیرپذیری از کاهش فعالیت اقتصادی و کنترل شدید اسناد رسمی مالکین این خودروها، تا حدود ۱۵ درصد در خلال مقطع مذکور کاهش یافت.

صادرات خودرو در سال ۲۰۱۲، به میزان ۱۵ میلیارد دلار، ۱۰ درصد از مجموع صادرات را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۱۳، صادرات خودرو به ۱۷ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با سال قبل ۱۲ درصد افزایش یافت. گرچه واردات خودرو نیز تا ۱۶ درصد افزایش یافته و در سال ۲۰۱۳ به ۱۶/۸ میلیارد دلار رسید که این امر عمدتاً بدلیل وابستگی این بخش به واردات است. در واقع صنعت خودروی ترکیه عمدتاً بر پایه مونتاژ خودرو قرار دارد. همچنین کاهش ارزش لیر و افزایش نرخ بهره وامهای خودرو در سه ماهه آخر سال ۲۰۱۳ در تقاضای قوی برای خودروی وارداتی نقش داشت؛ زیرا مشتریان خواهان نهایی‌سازی خرید خود قبل از افزایش قیمت توسط تولیدکنندگان (به دلیل ضعف ارز) و گرانتر شدن وام خودرو بودند.

در حدود ۶۸ درصد از مجموع تولید خودرو در سال ۲۰۱۲ صادر گردید که این نسبت در سال ۲۰۱۳ به ۷۳ درصد افزایش یافت. اروپا، مقصد اصلی صادرات خودروی ترکیه می‌باشد. در سال ۲۰۱۳، ۱۴

درصد از صادرات به آلمان، ۱۱ درصد به فرانسه و ۱۰ درصد به انگلستان صورت پذیرفت که بیانگر نقش مهم رشد پایدار اروپا برای بخش خودروی ترکیه می‌باشد.

بر طبق آمار وزارت صنعت ترکیه، صنعت خودرو موجبات اشتغال ۴۰۰ هزار نفر از مردم ترکیه را فراهم نموده که ۵۰ هزار نفر در صنعت اصلی، ۲۵۰ هزار نفر در بخش صنایع تولیدی و بقیه نیز در بخشهای توزیع، بازاریابی و کانالهای فروش مشغول به کار هستند.

بازار جهانی خودرو در صنعت خودروی ترکیه جایگاه برجسته‌ای دارد. این بازار تحت تسلط شرکت اویاک-رنو می‌باشد. سه تولیدکننده اصلی خودرو یعنی فورد، رنو و فیات با شرکتهای ترکیه‌ای همکاری دارند. تولیدکننده چهارم یعنی تویوتا تماماً تحت مالکیت شرکت اصلی در ژاپن قرار دارد. در سال ۲۰۱۳، این شرکت ۸۲ درصد از مجموع تولید خودرو را در اختیار داشته‌اند.

ترکیه برای حمایت از توسعه صنعت خودرو باید به جذب سرمایه‌گذاری جدید از بازار جهانی خودرو ادامه بدهد. برطبق برنامه استراتژیک بلندمدت دولت، ترکیه می‌باید صادرات خودرو را تا سال ۲۰۲۳ به ۷۵ میلیارد دلار افزایش دهد. برای رسیدن به این اهداف، دولت مشوقهای جدیدی را در سال ۲۰۱۲ در نظر گرفته و بخش خودرو را به عنوان «سرمایه‌گذاری‌های اولویت‌دار» مطرح نمود.

این مشوقها نقش مهمی در توسعه صنعت خودرو دارند. بر اساس برنامه دولت، حداقل مبلغ سرمایه‌گذاری موردنیاز جهت اخذ گواهی مشوق برای تجهیزات اصلی و تولیدکنندگان از ۲۵۰ به ۲۰۰ میلیون لیر و برای صنایع فروش خودرو از ۱۰۰ به ۵۰ میلیون لیر کاهش یافته است.

همچنین دولت ترکیه اعلام نمود که سرمایه‌گذاریهای صورت گرفته برای خودرو، صنایع دفاعی و فضایی به عنوان «سرمایه‌گذاری با اولویت خاص» در نظر گرفته شده و مشوقهای بیشتری دریافت می‌کنند. این مشوقها شامل معافیت از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی، اختصاص زمین، پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی با حمایت دولت و ... می‌شوند.

همچنین در ترکیه، برنامه‌های تحقیق و توسعه تحت حمایت می‌باشند؛ بطوریکه این کشور در نظر دارد تا سال ۲۰۲۳، ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به فعالیتهای تحقیق و توسعه اختصاص دهد. این فعالیتهای فعالان جهانی مانند فورد، هیوندای و تویوتا را به افزایش سرمایه‌گذاری در ترکیه ترغیب نموده و از این‌رو انتظار می‌رود بخش خودرو ظرفیت تولید خود را از طریق این سرمایه‌گذاری‌های جدید افزایش بدهد.

عامل دیگری که ترکیه را برای تولیدکنندگان خودرو جذاب نموده، پایین بودن هزینه نیروی کار است. در ترکیه هزینه نیروی کار به ازای هر ساعت، ۴/۵ دلار است؛ در حالیکه این هزینه در فرانسه ۴۰ دلار و در اسپانیا ۲۵/۹ دلار می‌باشد (بر طبق آمار اتحادیه اروپا). با این وجود، بهره‌وری نیروی کار در این کشور نسبتاً پایین می‌باشد؛ بطوریکه در سال ۲۰۱۱ میزان تولید ناخالص داخلی به ازای هر ساعت کار، ۲۸/۱۰ دلار بود، در حالیکه در کشورهای عضو OECD، این میزان ۴۴/۱۰ دلار بوده است.

صنعت تامین خودرو بخش مهمی در صادرات خودرو محسوب می‌شود. این صنعت در تولید تایر، شیشه اتومبیل، باطری و سایر اجزاء خودرو به‌شدت تخصصی و رقابتی است.

در سال ۲۰۱۳ صادرات صنعت تامین خودرو بالغ بر ۸/۲ میلیارد دلار بوده است. در خلال سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ صادرات این بخش با حدود ۱۳ درصد افزایش به ۲/۵ میلیارد دلار رسید. در دوره پس از بحران جهانی نیز، طیف وسیع تولیدات و توانمندی تولیدکنندگان در برآورده سازی استانداردهای موردنظر تولیدکنندگان اصلی، این صنعت را قادر ساخت تا صادرات را سریعتر از صنعت اصلی خودرو افزایش دهد.

چشم انداز و ریسکهای سال ۲۰۱۴ برای صنعت خودرو

بازار داخلی ترکیه در سالهای اخیر از رشد پایدار منتفع گردیده است. سرانه تولید ناخالص داخلی رو به رشد و جمعیت جوان که تمایل به مصرف داشته و نیز نرخ پایین بهره، فروش داخلی صنعت خودرو را رونق بخشیده است.

سطح پایین نرخ بهره پس از بحران مالی جهانی، پشتوانه تقاضا برای خودروی سواری بوده است. با توجه به سیاست پولی به شدت انبساطی بانکهای مرکزی مهم در سراسر جهان، بانکهای ترکیه توانستند منابع مالی ارزان فراوانی بدست آورده و بابت وامهای اعطایی، بهره پایین دریافت نمایند. بین سالهای ۲۰۰۹ تا اواسط ۲۰۱۳ میانگین موزون نرخ بهره بابت وام خودرو از حدود ۲۰ درصد به حدود ۹/۵ درصد کاهش یافت. همچنین در این مقطع، سهم وام خودروی مصرفی و تجاری در بخش بانکی این کشور از ۱۲ میلیارد لیر به ۲۰ میلیارد لیر افزایش یافت.

در دوره پیش رو، چالش مهم صنعت خودروی ترکیه، ابهام در مورد آشفتگی سیاسی و نیز ضعف تقاضای داخلی است. آشفتگی سیاسی پس از انتخابات محلی ماه مارس تا حدی کاهش یافته، با این وجود، این کشور همچنان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را در ماه اوت ۲۰۱۴ و انتخابات مجلس را در سال ۲۰۱۵ پیش رو دارد. چنانچه آشفتگی سیاسی قبل از انتخابات افزایش یابد، این موضوع ممکن است بر تصمیمات جدید سرمایه گذاری تاثیرگذار باشد.

به دلایل متعدد، سرعت رشد تقاضای داخلی برای خودرو در سال ۲۰۱۴ بطور قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت. کاهش شدید ارزش لیر در پایان سال ۲۰۱۳، سبب افزایش قیمت وسایل نقلیه وارداتی خواهد شد. در واقع ۷۵ درصد از خودروهای مسافربری فروخته شده در ترکیه، در آوریل ۲۰۱۴ وارد شده بودند. به علاوه، متعاقب افزایش شدید نرخ بهره بانک مرکزی در ماه ژانویه، میانگین موزون نرخ بهره بابت وام خودرو افزایش قابل توجهی داشت. اعمال سیاستهای انقباضی در مورد وامهای مصرف کننده و افزایش مالیات کالاهای مصرفی خاص در مورد خودروی مسافربری، بر تقاضای داخلی تاثیر منفی خواهد داشت.

هدف این اقدامات، مهار رشد سریع وام و نیز کاهش کسری حساب جاری است. در سال ۲۰۱۳، تجارت خودروی مسافربری به افزایش کسری تجاری به مبلغ ۲/۲ میلیارد دلار انجامید. از این رو دولت ترکیه از اوایل ماه ژانویه مالیات کالاهای مصرفی خاص را در مورد طیفی از محصولات شامل

خودروی مسافربری جدید افزایش داده است. بر این اساس، نرخ مالیات خودروی مسافربری جدید که سابقاً از ۴۰ تا ۱۳۰ درصد نوسان داشت، اکنون بین ۴۵ تا ۱۳۰ درصد خواهد بود.

این نرخها بسیار بالاتر از میانگین نرخ OECD می‌باشند. بنا بر آمار OECD، در سال ۲۰۱۲ حداقل نرخ مالیات در مورد خودروی مسافربری جهت فروش و ثبت نام، بطور میانگین ۴۷ درصد بوده است.

همچنین موسسه نظارت بر مقررات بخش بانکی ترکیه برنامه‌های جدیدی را در مورد وامهای مصرف‌کننده معرفی نمود که از فوریه اجرایی شده‌اند. بر طبق قانون، وام خودرو از ۷۰ درصد ارزش کل خودروهای با قیمت کمتر از ۵۰ هزار لیر فراتر نخواهد رفت. ضمناً این موسسه تعداد اقساط وام خودرو را به ۴۸ ماه محدود نموده است.

سیاستهای بانک مرکزی و سیاست تسهیل کمی بانک مرکزی ایالات متحده تحولات مهمی هستند که چشم‌انداز صنعت در سال ۲۰۱۴ را تحت تاثیر قرار خواهند داد. چنانچه بانک مرکزی تصمیم به انقباض بیشتر سیاست پولی خود بگیرد، تقاضا برای وسایل نقلیه کاهش بیشتری خواهد یافت.

به دنبال اجرای برنامه‌های فوق، بسیاری از خودروسازان انتظار دارند فروش داخلی در سال ۲۰۱۴ بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش یابد. سود فروشندگان و دلالتان خودرو نیز بطور قابل‌ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت. آمار اولیه انجمن فروشندگان خودرو، به وضوح نشان‌دهنده تاثیر منفی این اقدامات بر روی فروش داخلی می‌باشد. در مقطع ژانویه تا آوریل ۲۰۱۴، مجموع فروش خودروی مسافربری و خودروی تجاری سبک در ترکیه در مقایسه با دوره مشابه سال قبل تا ۲۵/۵ درصد کاهش یافت.

چنانچه تقاضای داخلی بیش از انتظار کاهش یابد و ارزش لیر نیز در آینده افت بیشتری را تجربه نماید، ممکن است برخی دلالتان و فروشندگان با ریسک ورشکستگی مواجه شده و امکان افزایش بیکاری نیز وجود دارد.

تحت این شرایط، تمرکز بر صادرات در سال ۲۰۱۴، فرصتی برای بازار خودروی ترکیه جهت جبران ضعف تقاضای داخلی محسوب می‌شود. بهبود شرایط کشورهای اروپایی، تنوع بازارهای صادراتی و کاهش ارزش لیر، صادرات خودرو بویژه در بخش خودروی مسافربری را تقویت خواهند کرد. در سه ماهه اول سال صادرات وسایل نقلیه در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۸/۴ درصد افزایش یافت.

برطبق آمار انجمن فروشندگان خودرو، صادرات خودروی مسافربری در مقطع ژانویه تا آوریل، ۲۷ درصد افزایش یافت؛ این در حالی است که صادرات خودروی تجاری تا ۲۵ درصد کاهش نشان داد.

انطباق با فن‌آوریهای جدید و افزایش برنامه‌های تحقیق و توسعه، بویژه برای صنعت تامین خودرو، به منظور ایجاد تمایز از رقبا حائز اهمیت خواهد بود. این امر فرصتهای جدیدی را برای همکاری با

تولیدکنندگان برجسته فراهم می‌کند. بازارهای جایگزین نیز مانند ایالات متحده، روسیه، آفریقا و.. برای صادرات بیشتر می‌توانند مد نظر قرار گیرند.

اما در دوره میان و بلند مدت، وجود یک بازار داخلی قوی برای برخورداری تولیدکنندگان داخلی از رشد پایدار حائز اهمیت می‌باشد؛ زیرا وابستگی زیاد به صادرات سبب افزایش بی‌ثباتی به واسطه تحولات اقتصاد جهانی خواهد شد. توانمندی بازار داخلی، به کاهش هزینه‌های تولید همزمان با افزایش سطح تولید کمک خواهد کرد و بر سودآوری تاثیر مثبت خواهد داشت. در عین حال سطح بالای مالیاتها، توسعه بازار داخلی را محدود می‌کند.

بخش‌های پوشاک و منسوجات:

مزیت ضعف پول داخلی و بهبود شرایط اقتصادی اروپا

صنایع منسوجات، پوشاک و چرم از جمله بخش‌های استراتژیکی هستند که دولت ترکیه در نظر دارد حجم تولید آنها را تا سال ۲۰۲۳، به ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد. بر طبق گزارش وزارت صنعت ترکیه، این سه صنعت حدود ۱۶ درصد از مجموع ارزش افزوده بخش تولید و ۱۰ درصد از تولید داخلی را تشکیل می‌دهند. ارزش سالانه تولید این صنایع در سال ۲۰۱۲، به ۴۸/۶ میلیارد دلار رسید که تقریباً ۱۲ درصد اشتغال کل شامل نیروی کار رسمی را تامین نمود.

رقابت در صنعت منسوجات در سراسر جهان پس از حذف سهمیه منسوجات چین و صادرات پوشاک در سال ۲۰۰۵، تشدید شده است. ترکیه همچنان در بین بزرگترین فعالان جهانی این صنایع قرار دارد، زیرا این کشور از مزایای هزینه پایین تولید، سرعت تحویل کالا با توجه به نزدیکی جغرافیایی به اروپا، دانش قوی و مهارت تولید گسترده برخوردار است. سهم ترکیه در صادرات منسوجات جهان در سال ۲۰۱۲، بر طبق آمار سازمان تجارت جهانی ۳/۹ درصد بود؛ این در حالی است که سهم این کشور در صادرات پوشاک جهان ۳/۴ درصد بوده است.

آمار تجارت منسوجات، پوشاک و محصولات چرمی ترکیه (میلیارد دلار)

سال	صادرات	واردات	تراز تجاری
۲۰۱۱	۲۵/۳	۱۱/۲	۱۴/۱
۲۰۱۲	۲۶/۱	۹/۲	۱۶/۹
۲۰۱۳	۲۸/۶	۱۰/۳	۱۸/۳

صنایع پوشاک و منسوجات ترکیه از مزیت هزینه پایین تولید برخوردارند، معذالک صنایع مذکور به واردات کالاهای واسطه‌ای وابسته می‌باشند. وابستگی صنعت منسوجات به واردات در سال ۲۰۱۱، بر طبق تحقیقات وزارت اقتصاد ترکیه، ۴۳ درصد بود. این نسبت برای صنعت پوشاک ۱۹ درصد و برای

محصولات چرمی ۳۸ درصد بوده است. این بررسی نشان می‌دهد به ازای هر یک دلار واردات، صنعت پوشاک ۴/۱ دلار و صنعت منسوجات ۲/۱ دلار صادر نموده است.

به دلیل افزایش شدید واردات منسوجات و پوشاک، دولت ترکیه در سال ۲۰۱۱، اقدام به اعمال تعرفه‌های گمرکی موقتی و اضافی در مورد واردات لباس و پارچه‌های خاص نمود. تعرفه‌های اضافی برای پوشاک از ۱۷ تا ۳۰ درصد و برای پارچه از ۱۱ تا ۲۰ درصد متفاوت بوده‌اند. متعاقب افزایش این تعرفه‌ها، واردات کاهش یافته و تراز تجاری صنایع پوشاک و منسوجات، مازاد بالا و بی‌سابقه‌ای را تجربه نمودند. به رغم مشکلات اقتصادی اروپا به عنوان شریک مهم تجاری ترکیه، مازاد تجاری این کشور بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ بطور میانگین سالانه در بخش منسوجات ۲۲ درصد و در بخش پوشاک حدود ۶/۵ درصد افزایش یافت. ترکیه در نظر دارد تا سال ۲۰۲۳، صادرات سالانه منسوجات خود را به ۲۰ میلیارد دلار و صادرات پوشاک را به ۵۲ میلیارد دلار برساند.

به لحاظ جغرافیایی این صنایع عمدتاً در شهرهایی مانند استانبول، دنیزلی، بورسا، غازی عینتاب، آدانا و ازمیر که در کنار دریای مرمره، دریای اژه و مناطق جنوب شرقی ترکیه واقع شده‌اند، قرار دارند. ۵۷،۷۱۵ شرکت فعال در این صنایع وجود دارند که اکثر آنها شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشند. ۳۰ درصد شرکتها در صنعت منسوجات، ۵۹ درصد در صنعت پوشاک و ۱۱ درصد در صنعت چرم مشغول به فعالیت هستند. بر طبق آمار سال ۲۰۱۲ موسسه تامین اجتماعی، شرکت‌های کوچک با تعداد یک تا ۴۵ نفر، ۷۰ درصد از مجموع اشتغال در صنعت چرم و ۵۲ درصد از اشتغال در صنعت پوشاک را در اختیار دارند. در صنعت منسوجات شرکت‌هایی که از حداقل ۲۵۰ تا بیش از ۱۰۰۰ کارمند برخوردارند، حدود ۳۶ درصد از مجموع اشتغال را به خود اختصاص داده و ۳۴ درصد اشتغال نیز در اختیار شرکت‌هایی است که بین ۵۰ تا ۲۵۰ کارمند دارند.

صنایع پوشاک و منسوجات همواره کمک شایان توجهی به رشد اقتصادی ترکیه نموده‌اند. از آنجا که انتظار می‌رود روند تقاضای داخلی کند شده و رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۴، نامناسب باشد، عامل مهم توسعه اقتصادی، صادرات خواهد بود. ترکیه در سال ۲۰۱۲، دومین عرضه‌کننده بزرگ منسوجات در اروپا بود و ۱۶/۳ درصد سهم بازار را در اختیار داشت. در بخش پوشاک نیز با قرار گرفتن در میان سه عرضه‌کننده برتر اروپایی، ۱۳/۱ درصد سهم بازار را به خود اختصاص داد. این امر بیانگر آن است که همچنان امکان حضور تولیدکنندگان پوشاک و منسوجات ترکیه در بازار اروپا و در اختیار گرفتن سهم بیشتر وجود دارد.

در این حالت بهبود شرایط اروپا برای صادرات منسوجات و پوشاک ترکیه بسیار مثبت تلقی می‌شود. آمار دبیرخانه عمومی انجمن‌های صادرکننده لباس و منسوجات نشان می‌دهد سهم صادرات پوشاک

به ۲۸ کشور اروپایی، در سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ از ۷۵/۱ درصد به ۷۵/۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. مجموع صادرات پوشاک به این ۲۸ کشور نیز در مقطع یاد شده حدود ۱۰ درصد افزایش یافته و به ۳/۵ میلیارد دلار رسید. آمار و اطلاعات همچنین بیانگر آن است که سهم کشورهای مذکور در صادرات منسوجات ترکیه در مقطع زمانی ژانویه تا مارس، از حدود ۴۶ درصد در دوره مشابه سال قبل، به ۴۸ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که صادرات منسوجات به این کشورها در آن دوره با ۱۵ درصد افزایش به ۱/۱ میلیارد دلار رسید.

سهم صنعت منسوجات در مجموع صادرات، در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب ۸/۷ و ۹/۷ درصد بود. سهم صنعت پوشاک نیز از ۷/۸ درصد در سال ۲۰۱۲، به ۸/۴ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت. تولیدکنندگان درخصوص مدیریت شرکت در خلال دوره بحران اقتصادی و بی‌ثباتی از تجربه بالایی برخوردارند. تضعیف بیشتر لیر، محصولات این کشور را ارزاتر نموده و از افزایش صادرات حمایت می‌کند.

روسیه، ایتالیا و آلمان خریداران مهم منسوجات ترکیه در سال ۲۰۱۳ بوده‌اند. آمار دبیرخانه عمومی انجمن‌های صادرکننده لباس و منسوجات نشان می‌دهد این کشورها حدود ۲۷ درصد از مجموع صادرات منسوجات در سال ۲۰۱۳ را در اختیار داشته‌اند. در همین مقطع، کشورهای آلمان، انگلستان و اسپانیا با در اختیار داشتن سهم ۴۳ درصدی صادرات پوشاک ترکیه، بزرگترین مشتریان این بخش بوده‌اند.

نوسان اندک نرخ ارز در مقایسه با ابتدای سال، کاهش ارزش لیر و بهبود شرایط اقتصادی بازارهای مهم اروپایی، از صادرات ترکیه در آینده حمایت می‌کند. همچنین پایین بودن هزینه کار و دستمزد در مقایسه با اروپا، سبب شده تا ترکیه برای مشتریان اروپایی همچنان جذاب باشد.

افزایش توان رقابتی از طریق اعمال راهبردهای کاهش هزینه، ممکن است به افزایش سهم بازار تولیدکنندگان ترکیه‌ای در خارج از کشور کمک نماید. ترکیه برای گردش اقتصاد خود به واردات انرژی وابسته است و این امر کشور را نسبت به افزایش قیمت جهانی انرژی یا ضعف پول داخلی که به افزایش بیشتر قیمت انرژی می‌انجامد، آسیب‌پذیر می‌کند. بر طبق آمار انجمن کارفرمایان منسوجات ترکیه که توسط وزارت اقتصاد این کشور منتشر شده، کالا (پنبه، پشم، حصیر، پلی استر، اکریلیک و...) هزینه عمده صنعت منسوجات محسوب می‌شود.

آمار سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که هزینه کالا ۳۳ درصد از مجموع هزینه‌ها را در بردارد، این در حالی است که منابع انسانی ۲۵ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. صنعت پوشاک در مقایسه با منسوجات، نیروی کاری بیشتری را مشغول می‌سازد. در این صنعت هزینه نیروی کار ۲۷ درصد از

مجموع هزینه‌ها را تشکیل می‌دهند و پس از کالا که ۴۷ درصد از مجموع هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، پرهزینه‌ترین بخش می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی ترکیه را می‌توان به عنوان مزیت دیگر تولیدکنندگان برای افزایش صادرات آنها در نظر گرفت. این کشور به خریداران عمده اروپا و روسیه بسیار نزدیک است و این امر به لحاظ کاهش هزینه حمل و نقل و نیز کاهش دوره تحویل، یک مزیت مهم محسوب می‌شود. در واقع، تولیدکنندگان ترک در مقایسه با هم‌تایان خود، از مزیت لجستیک و تولید به‌هنگام برخوردارند. آنها قادرند محصولات را ظرف ۲۱ روز تولید و تحویل نمایند و این امر به مشتریان امکان می‌دهد تا با سطح پایین موجودی کالا کار کنند.

سرمایه‌گذاری در اروپای شرقی ممکن است به تولیدکنندگان کمک کند تا فروش خود را به ایالات متحده افزایش دهند زیرا این کشور در نظر دارد با اتحادیه اروپا یک موافقتنامه همکاری در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری امضاء کند. این امر به تولیدکنندگان امکان می‌دهد تا محصولات خود را به ایالات متحده صادر نموده و از معافیت‌های گمرکی نیز بهره‌مند شوند. در عین حال این موضوع ممکن است سبب شود بخشی از سرمایه‌گذاری منسوجات به‌جای ماندن در ترکیه به سمت کشورهای اروپایی انتقال یابد. صادرات پوشاک ترکیه به ایالات متحده در سال ۲۰۱۳، ۴۴۳/۳ میلیون دلار بود که بر طبق آمار دبیرخانه عمومی انجمن‌های صادرکننده لباس و منسوجات استانبول، نسبت به سال قبل یک درصد کمتر بوده است. این آمار نشان می‌دهد صادرات منسوجات در سال ۲۰۱۳ با ۹ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۲، به ۳۰۹/۱ میلیون دلار رسیده است. چنانچه ترکیه در این موافقتنامه همکاری مشارکت نماید، ممکن است سهم بازار خود را از دست بدهد.

ترکیه یکی از ظرفیتهای بزرگ تولید نخ و منسوجات جهان را در اختیار دارد که مزیت مهمی محسوب می‌گردد. بر طبق بررسیهای دبیرخانه عمومی انجمن‌های صادرکننده لباس و منسوجات استانبول، ترکیه دوازدهمین عرضه‌کننده نخ جهان با ۱/۶ میلیارد دلار صادرات در سال ۲۰۱۲ و نهمین عرضه‌کننده محصولات نساجی با ۲/۶ میلیارد دلار صادرات در سال ۲۰۱۱ می‌باشد.

محصولات با ارزش افزوده بالا و طراحی‌ها به تولیدکنندگان ترکیه کمک می‌کند تا حاشیه سود خود را افزایش دهند. گرچه این امر بسیار گران بوده و روندی طولانی است که مستلزم حمایت دولت و اتخاذ راهبردهای بلندمدت است، اما می‌توان آنرا عاملی مهمی برای بدست آوردن سهم بیشتر بازار توسط ترکیه قلمداد نمود. به لحاظ ایجاد شناسه تجاری، تولیدکنندگان پوشاک پیشرفتهای مهمی را در برخی بازارها مانند روسیه بدست آورده‌اند. در عین حال از آنجا که تنها تعداد اندکی از تولیدکنندگان پوشاک موفق به شناساندن شناسه تجاری خود در سطح جهان شده و به‌رغم تلاشهای صورت‌گرفته

مانند برگزاری هفته مد استانبول برای تشویق و افزایش طراحی‌ها، هنوز جای پیشرفت وجود دارد. افزایش تولید منسوجات فنی (دریایی، هوایی، روکش خودرو، پوشاک محافظتی و ورزشی و ...) پیشرفتی امیدوارکننده برای آینده است. این محصولات دارای نوآوری و ارزش افزوده بالاتری هستند. در طول دهه گذشته منسوجات فنی ترکیه افزایش یافته‌اند. صنایع ساختمانی و خودرو در میان خریداران اصلی منسوجات فنی قرار دارند و این امر برای تولیدکنندگان ترک مزیت مهمی در بردارد، زیرا صنایع ساختمانی و خودرو در اقتصاد، جایگاه غیرقابل انکاری داشته و بازار این محصولات از پیش در دسترس هستند.

همچنین دولت ترکیه از طریق مشوقها و برنامه کنترل کیفیت از فرآیند ایجاد شناسه تجاری و تولید محصولات دارای ارزش افزوده بالا حمایت می‌کند. هدف دولت پدید آوردن شناسه‌های تجاری جهانی و تشویق شرکتها به تولید محصولات نوآورانه‌تر از طریق ارائه آموزش سازمانی، راهبردی، مالی و اطلاعاتی بواسطه مشاوران معتبر است. این برنامه در سال ۲۰۰۵ آغاز شد و هم‌اکنون به حدود ۱۳۰ شرکت از صنایع گوناگون کمک می‌کند.

چشم‌انداز و ریسکهای سال ۲۰۱۴ برای بخش پوشاک و منسوجات

به نظر می‌رسد امضای قراردادهای فرعی با پیمانکاران، گسترده‌ترین راهبرد در میان تولیدکنندگان ترکیه باشد. با این وجود، این امر نگرانهایی را برای این بخش ایجاد می‌نماید. در واقع، مشتریان پوشاک و منسوجات ترکیه از ائتلاف بالایی برخوردارند. شرکتهای بزرگ از آنجا که بخش بالایی از سفارشهای مشتریان را در اختیار دارند، بر بازار تسلط دارند. آنها از «قدرت چانه‌زنی» در برابر تولیدکنندگان برخوردار می‌باشند، زیرا تولیدکنندگان پراکنده بوده و اکثراً شرکتهای کوچک و متوسط هستند و این امر برای تولیدکنندگان تمرکز ریسک را پدید می‌آورد. مشتریان نیز خواهان بهترین شرایط هستند. این وضعیت اجازه نمی‌دهد تولیدکنندگان از شرایطی مانند کاهش ارزش لیر بطور کامل منتفع گردند، زیرا مشتریان قدرت آن را دارند که خواستار کاهش قیمت شوند. در نتیجه، حاشیه‌های سود در صنایع منسوجات و پوشاک اندک می‌باشد.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاریهای جهانی منسوجات به دلیل هزینه‌های پایین‌تر تولید عمدتاً در کشورهایمانند چین، کره جنوبی و هند متمرکز است. این کشورها همچنین صادرکننده اصلی منسوجات و پوشاک جهان هستند که این امر زیانی عمده برای تولیدکنندگان ترکیه محسوب می‌گردد. همچنین، سطح پایین دستمزدها در این صنایع و شرایط سخت کار موجب دلسردی دانش‌آموختگان جدید گردیده و این افراد ترجیح می‌دهند در بخشهای دیگر به دنبال کار باشند. از اینرو نیروی کار واجد صلاحیت و در دسترس برای صنایع منسوجات و پوشاک اندک می‌باشد.

فقدان برنامه‌های تحقیق و توسعه یک نقطه ضعف است. برپایه ارقام مرکز آمار ترکیه، سهم هزینه تحقیق و توسعه در صنعت منسوجات در مجموع هزینه تحقیق و توسعه بخش تولید از ۳/۱٪ در سال ۲۰۱۱ به ۲/۹٪ در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است. سهم صنایع پوشاک و چرم نیز به ترتیب با حدود ۰/۵٪ و ۰/۱٪ تقریباً بدون تغییر باقی ماند. این امر از توان رقابتی ترکیه در مقایسه با کشورهای مانند کره جنوبی به عنوان رهبر جهانی تولید بر پایه فن آوری می‌کاهد.

سیاست کشاورزی ترکیه نیاز به بهبود دارد. بویژه پنبه اهمیت راهبردی دارد زیرا جزء عناصر اصلی در صنایع گوناگون می‌باشد. تولید و قیمت پنبه که ۶۰٪ کل ماده خام به کار رفته در بخشهای منسوجات و پوشاک را تشکیل می‌دهد، نقش مهمی در رقابت‌پذیری ترکیه ایفا می‌نماید. آمار انجمن ملی پنبه نشان می‌دهد که تولید فیبر پنبه در ترکیه در سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۲، ۸۵۸ هزار تن بود، درحالیکه مصرف آن به ۱۳۵۰ هزار تن می‌رسید. در این مقطع ترکیه ۸۰۴ هزار تن پنبه را وارد کرده است. وابستگی به واردات پنبه ایجاد بی‌ثباتی در قیمت‌گذاری برای صنایع منسوجات و پوشاک نموده و استفاده از فیبر و پارچه وارداتی را افزایش می‌دهد.

به طور کلی، کاهش اخیر ارزش لیر و بهبود شرایط اقتصادی بازارهای اروپا در سال ۲۰۱۴، از صادرات فرآورده‌های صنایع منسوجات، پوشاک و چرم پشتیبانی خواهد کرد. گرچه سطح کنونی سرمایه‌گذاریهای تحقیق و توسعه ناکافی به نظر می‌رسد، اما حمایت‌های دولت و تلاشهای جداگانه شرکتها می‌تواند تولید محصولات نوآورانه و دارای ارزش افزوده بالا را بهبود بخشد. موجودی ماشین آلات، دانش فنی و سطح سفارشها برای حصول اطمینان از توسعه پایدار این بخشها کافی هستند. بهبود شرایط کار و بار مالیات بر استخدام به جذب کارگران واجد شرایط کمک خواهد کرد. بخشهای منسوجات و پوشاک ترکیه توان موفق شدن در ایجاد شناسه تجاری را دارند، ولی این امر نیازمند راهبرد بلندمدت و مشارکت دولتی است که دولت ترکیه آن را ارائه نموده است. این راهبرد در صورت موفقیت، به شرکتها کمک خواهد کرد تا حقوق صاحبان سهام خود را تقویت و در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری بیشتری انجام داده و برای این بخشها و نیز کشور یک چرخه موثر را پدید آورند.

بخش ساخت‌وساز: کندی تقاضا برای مسکن

بخش ساخت و ساز یکی از عوامل رشد اقتصاد ترکیه بوده است. بسیاری از زیربخشهای دیگر مانند سیمان، بتون، بتون آماده و مخلوط، صنعت آهن و فولاد، صنایع سرامیک، شیشه و آجر با بخش ساخت‌وساز در ارتباط نزدیک هستند.

بخش ساخت و ساز پس از رشد سریع در دهه ۱۹۸۰، طی بحران سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ تضعیف

گردید. گرچه این بخش از بحران مالی جهانی در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ آسیب دید، اما در دهه گذشته، از میانگین رشد ۷ درصد عمده‌تأ بر پایه ثبات اقتصادی، رشد درآمد سرانه، نرخ بهره پایتتر و امکان استقرار بلندمدت برخوردار بوده است.

فرآیند تغییر شکل شهری نیز، دلیلی دیگر جهت گسترش بخش ساخت و ساز در ترکیه می‌باشد. این کشور بویژه پس از دهه ۱۹۵۰ به علت فرآیند مهاجرت از مناطق روستایی به سوی مناطق شهری، شاهد شهرنشینی بی‌برنامه و سازمان نیافته بوده که این امر به ساخت بیغوله‌ها در پیرامون شهرهای بزرگ و در زمینهای دولتی متعلق به خزانه‌داری، بدون اخذ هیچ مجوز قانونی انجامید. ویژگیهای مشترک این ساختمان‌ها معمولاً زیرساخت ضعیف، فقدان شرایط بهداشتی مناسب و ساختمانهای مخروبه می‌باشد. تعهد مسوولان نسبت به بهبود این ساختمانها و آغاز شهرنشینی با برنامه و مسکن اجتماعی در آغاز دهه ۲۰۰۰، به رشد فزاینده این بخش کمک نمود.

شهرنشینی سریع، افزایش جمعیت، مزایای مالیاتی و تصویب قانون همکاری متقابل توسط مجلس در ژوئن ۲۰۱۲ که به اتباع خارجی اجازه خرید ملک در ترکیه می‌دهد، از سایر عوامل گسترش این بخش هستند. خرید ملک از سوی اتباع خارجی در سال ۲۰۱۲ تا ۲/۶ میلیارد دلار افزایش یافت و در مقطع ژانویه تا اکتبر ۲۰۱۳ کل خرید اتباع خارجی به ۲/۲ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۱۳، کمک بخش ساخت و ساز به رشد اقتصادی ۰/۴٪ بود و این بخش ۷٪ کل اشتغال را در ترکیه تشکیل می‌داد.

از آغاز سال ۲۰۱۲، سرمایه‌گذاریهای عمومی در ساخت و ساز عامل رونق اقتصادی بودند. در سال ۲۰۱۳ این سرمایه‌گذاریها در مقایسه با سال گذشته ۲۹/۱٪ افزایش یافتند، درحالیکه سرمایه‌گذاریهای خصوصی شاهد ۰/۷٪ کاهش بودند. در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۱۳، سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی در ساخت و ساز برای نخستین بار در پنج فصل پی‌درپی افزایش یافتند. باین وجود، سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی در ساخت و ساز پس از شتاب گرفتن در سه‌ماهه سوم، در سه‌ماهه پایانی در مقایسه با دوره مشابه سال ۲۰۱۲، مجدداً تا ۲٪ کاهش یافت.

بخش املاک، به عنوان ستون اصلی بخش ساخت و ساز، در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با سال گذشته تا ۶/۶٪ رشد داشته است. با وجود کاهش رشد و تورم بالا که قدرت خرید را متاثر می‌سازد، شاخصهای قیمت مسکن در دسامبر و ژانویه در سطوح بالایی بودند.

این امر نشان می‌دهد که تقاضا برای مسکن در آغاز سال ۲۰۱۴ کاملاً قوی بوده است. در ماه فوریه، در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، قیمت مسکن نوساز ۵/۷٪ افزایش یافته و قیمت مسکن بر مبنای واقعی ۴/۷٪ رشد داشته است. با توجه به افزایش ۱۱/۳ درصدی هزینه ساخت و ساز در سه ماهه

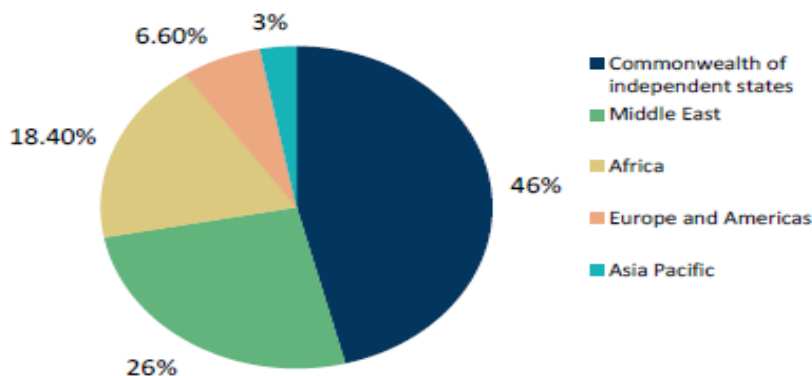
نخست سال ۲۰۱۴ افزایش قیمت مسکن را می‌توان در یک سطح معقول ارزیابی نمود. هم‌اکنون، برآورد می‌شود کل خانه‌های موجود در ترکیه تقریباً ۲۰ میلیون واحد باشند. بر اساس پژوهش انجام‌شده از سوی مرکز آمار ترکیه (TSI) در سال ۲۰۱۱، ۶۷/۳٪ از کل خانوارها در ترکیه مالک منزل خود بودند. در سال ۲۰۱۳ و بیشتر به دلیل نرخ پایین بهره، ۱/۱۶ میلیون خانه فروخته شد، که ۶۵٪ بیشتر از سال ۲۰۱۲ است. انتظار می‌رود در نتیجه افزایش جمعیت، رشد درآمد سرانه، نرخ فزاینده نیروی کار و افزایش شهرنشینی تقاضای مسکن تداوم داشته باشد. بر پایه دیدگاه مدیریت توسعه مسکن ترکیه، این کشور در سال ۲۰۱۴ نیازمند ۸۱۴،۰۰۰ مسکن خواهد بود.

نقدینگی فراوان جهانی از سال ۲۰۰۹ به بانکهای ترکیه امکان داد از نقدینگی ارزان خارج از کشور بهره‌مند شده و وامهای با نرخ بهره پایین ارائه دهند. از پایان سال گذشته وام رهنی در دسامبر سال ۲۰۱۳، ۲۸٪ افزایش یافته و به ۱۱۰ میلیارد لیر ترکیه رسیده است. افزایش وامها بیشتر به دلیل سطح پایین نرخ بهره در نیمه نخست سال بوده و از تقاضا برای بخش مسکن پشتیبانی کرده است. میانگین موزون نرخ بهره وام رهنی به لیر از تقریباً ۱۰٪ در پایان سال ۲۰۱۲، در ژوئن سال ۲۰۱۳ به ۸/۳٪ کاهش یافت. بر پایه داده‌های بازرسی بانکداری (BDDK)، سررسید وامهای رهنی از ۷ سال در سال ۲۰۰۹ به ۷/۹ سال در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت. قوانین ترکیه نسبت وام به ارزش دارایی را در مورد وامهای رهنی به ۷۵٪ محدود می‌کند. با وجود افزایش شدید وامهای رهنی این نسبت در سال ۲۰۱۳ بین ۶۲ تا ۶۴٪ بود، زیرا بیشتر مردم ترکیه پس‌اندازهای شخصی یا خانوادگی را به عنوان پیش پرداخت به کار می‌برند.

سازندگان ترک قادرند بخش زیادی از دانش ساخت و ساز را از راه همکاریهای جهانی به دست آورند. زیرا آنها هرگونه ساخت و ساز مانند احداث خانه‌ها، کارخانه‌های صنعتی، راهها، پلها، زیرساختهای شهری، مراکز تجاری، فرودگاهها، تسهیلات گردشگری و.. را انجام داده‌اند. این دانش و تجربه، از سایر نقاط قوت بخش ساخت‌وساز در دوره پیش رو خواهد بود.

بر طبق گزارش وزارت اقتصاد، از دسامبر سال ۲۰۱۳، ۳۸ شرکت ساختمانی ترکیه در میان ۲۵۰ سازنده برتر جهان رده بندی شده‌اند. سازندگان ترکیه در سال ۲۰۱۳، ۲۳۵ پروژه را از ۳۷ کشور با ارزش کلی ۲۳/۷ میلیارد دلار برعهده گرفته‌اند و ارزش کل این پروژه‌ها از سال ۱۹۷۱ به ۲۶۳/۸ میلیارد دلار رسیده است.

نمودار سهم مناطق مختلف جهان در خدمات ساختمانی ترکیه (تا آوریل ۲۰۱۴)



چشم‌انداز و ریسکهای سال ۲۰۱۴ برای صنعت ساخت و ساز

ریسکهای عمده برای سازندگان در سال ۲۰۱۴، رکود تقاضا و کاهش حاشیه‌های سود به علت هزینه‌های بالاتر تولید خواهد بود.

در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۴، تقاضای مسکن قویتر از انتظار بود، همچنانکه فروش مسکن در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته تنها ۶٪ کاهش داشت. این امر نشان‌دهنده قدرت تقاضا می‌باشد زیرا نرخ بهره وام رهنی حدود ۴٪ افزایش یافت. با این وجود، در دوره پیش رو، تقاضای مسکن ممکن است بدلیل تاثیر منفی نرخ بهره بالاتر و تورم بر ظرفیت پرداخت خانوارها، کاهش بیشتری یابد. حتی اگر در نیمه دوم سال تورم اندکی کاهش یابد، تقاضا بازهم به قوت سال گذشته نخواهد بود.

سطح پایین پس‌اندازها نیز تاثیر منفی بر تقاضا خواهد داشت، زیرا منابع کمتری برای پیش‌پرداخت وامهای رهنی وجود داشته و این امر تقاضا را برای وامهای رهنی کاهش خواهد داد. آمار نشان می‌دهد سهم خانه‌های تامین مالی شده با وام رهنی از ۴۲٪ در سه ماهه نخست سال ۲۰۱۳ به ۳۱٪ در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۴، کاهش یافته است. از اینرو سازندگان در دوره پیش رو مجال کمتری برای فروش بیش از یک خانه به یک نفر خواهند داشت.

ضعف لیر عامل منفی دیگری برای سازندگان است، زیرا هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. بنا بر اظهارات سازندگان، اخیراً هزینه سیمان و فولاد تقریباً ۲۰٪ افزایش یافته است. در این رابطه

هزینه‌های بالای ناشی از ورودی‌ها و انرژی بر حاشیه سود تاثیرگذار بوده که این امر شاید برای سازندگان کوچک که ساختار سرمایه‌ای قوی ندارند، زیان‌آور باشد. در ماه مه حجم وام مورد استفاده بخش ساخت و ساز ۶۹/۳ میلیارد لیر (تقریباً ۳۳ میلیارد دلار) بود. این در حالی است که این رقم در پایان سال ۲۰۱۱، ۴۹ میلیارد لیر و در پایان سال ۲۰۱۲، ۵۹ میلیارد لیر بوده است. در مجموع احتمال

افزایش وامهای معوقه در بخش ساخت و ساز سبب ایجاد ریسک برای بانکها می شود. از سوی دیگر، بسیاری از بخشهای دیگر، مانند فولاد، سیمان، بتون آماده و مخلوط، سرمایه، شیشه و غیره با بخش ساخت و ساز ارتباط نزدیکی دارند. کاهش فعالیت بخش ساخت و ساز ممکن است سود این بخشها را بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و سبب افزایش ورشکستگیها شود. گرچه تاکنون ارقام فروش نشان می دهند که بهرغم زیان لحظه‌ای، تقاضا در آن قوی است که عرضه را جذب نماید. فصل بهار فصلی است که در آن پروژه‌های جدید در بخش ساخت و ساز آغاز می شوند. از اینرو آمار این فصل برای مشاهده روند فروش مهم خواهند بود. با در نظر گرفتن فروش و قیمتها می توان گفت که هنوز حبابی در بخش مسکن وجود ندارد. در عین حال، به علت تقاضای ضعیف تر در دوره پیش رو قیمتها ممکن است با سرعت کمتری کاهش و یا افزایش یابند. گرچه تصویب قانون همکاری متقابل در مجلس، خرید ملک را از سوی اتباع خارجی آسانتر کرده است، اما افزایش احتمالی تنشهای سیاسی ممکن است سرمایه‌گذاران خارجی را از خرید ملک در ترکیه منصرف نماید.

بخش سوم: ریسک‌سنجی بخشهای ترکیه

ریسک‌سنجی بخشهای ترکیه			
سطح ریسک	بخشها	سطح ریسک	بخشها
پایین	دارویی	بسیار بالا	فلزات (به استثنای آهن و فولاد)
بالا	برق، الکترونیک، IT	متوسط	غذا
متوسط	کاغذ	بالا	محصولات شیمیایی
متوسط	خودرو	بسیار بالا	ساختمان
متوسط	خرده فروشی	متوسط	منسوجات و پوشاک

فلزات

بخش فلزات (به جز آهن و فولاد) ترکیه با ریسک بسیار بالایی مواجه است. افت قیمت فلزات خام و ریسک ارز، جریان نقدینگی را برای برخی شرکتها با مشکل مواجه می‌سازد. به ویژه سود شرکت‌های دارای بدهی‌های به ارز خارجی و ساختار سرمایه‌ای ضعیف افت می‌نماید که فشارهای مالی برای آنها ایجاد خواهد نمود.

از طرف دیگر، ترکیه برای تولید فولاد وابسته به واردات زغال سنگ، سنگ آهن و انرژی می‌باشد. از این رو، کاهش ارزش لیر، یکی از عوامل ریسک تلقی می‌شود. صنایعی که در میان خریداران عمده فولاد قرار دارند (مسکن، خودرو، لوازم خانگی سفید و غیره)، به علت تضعیف تقاضای داخلی، نرخ رشد کمتری را در سال ۲۰۱۴ تجربه خواهند کرد. از سوی دیگر، برخی علائم هشداردهنده برای

اقتصاد چین خودنمایی می‌کنند. چین بزرگترین تولیدکننده فولاد دنیاست و کسادى اوضاع اقتصادى این کشور تأثیر منفى بر قیمت فولاد بر جای خواهد گذاشت. مازاد ظرفیت جهانى صنعت فولاد در سراسر جهان و انجام اقدامات محافظه‌گرایانه در برخى کشورها نیز فشارهاى را در جهت کاهش حاشیه سود وارد خواهد کرد.

غذا

بخش غذا در ترکیه از ریسک متوسطى برخوردار می‌باشد. صنعت غذایى ترکیه یکی از مهمترین بخش‌هاى اقتصادى است. در سال ۲۰۱۳ در مجموع، بالغ بر ۳۴۳ میلیون دلار سرمایه‌گذارى مستقیم خارجى در این بخش صورت گرفت. ترکیه از صادرات و واردات غذا و نوشیدنى در سال ۲۰۱۳، ۵ میلیارد مازاد تجارى کسب نمود. چالش اصلی برای تولیدکنندگان مواد غذایى، افزایش هزینه‌هاى تولید ناشى از خشکسالى است. ریسک دیگر این بخش، مشکلات موجود در مدیریت نقدینگی به علت طولانى‌تر شدن سررسید پرداخت‌ها از طرف فروشگاه‌هاى بزرگ است. با این وجود، ریسک عمده‌اى وجود ندارد که فعالیت شرکتهاى این بخش را تهدید کند.

محصولات شیمیایی

این بخش در ترکیه با ریسک بالای روبروست. ترکیه قصد دارد تا سال ۲۰۲۳، صادرات محصولات شیمیایی کشور را به ۵۰ میلیارد دلار برساند. در سال ۲۰۱۳، صادرات محصولات شیمیایی ترکیه به ۷/۶ میلیارد دلار -در مقایسه با ۷/۳ میلیارد دلار سال ۲۰۱۲- رسید. در همیان زمان، صادرات محصولات لاستیکی و پلاستیکی از ۶/۴ میلیارد دلار به ۷ میلیارد دلار افزایش یافت. بخش پلاستیک ترکیه، رتبه سوم را از لحاظ ظرفیت در اروپا داراست و تولید آن به ۷/۲ میلیون تن پلاستیک در سال می‌رسد. ریسک عمده این بخش از وابستگی شدید به واردات نشأت می‌گیرد. افزایش هزینه‌هاى وام‌گیری ناشى از بالا رفتن نرخ بهره و کسادى بخش مسکن داخلی، بازار لوازم خانگی و خودرو نیز ریسک‌هاى را در سمت تقاضا ایجاد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در سال ۲۰۱۳، اقتصاد ترکیه با نرخ سالانه ۴٪ رشد یافت؛ سرعتى که فراتر از حد انتظار بود و تقاضای داخلی قوی منجر به آن گردید. اما از آنجا که اقتصاد کشور به واردات انرژی و کالاهای واسطه‌اى متکی است، رشد اقتصادى باعث گسترش کسرى حساب جاری به حدود ۸٪ GDP گردید. در اواخر ژانویه ۲۰۱۴، بانک مرکزی ترکیه نرخ‌هاى بهره را به شدت بالا برد تا مانع از کاهش بیشتر ارزش لیر شود. نرخ‌هاى بهره بالاتر توأم با اقدامات احتیاطی کلان صورت گرفته توسط مقامات برای کاهش کسرى خارجى و نااطمینانی سیاسى بر رشد اقتصادى سال جاری تأثیر خواهد داشت. از این رو طبق پیش‌بینی کوفاس نرخ رشد به ۲٪ در سال ۲۰۱۴ کاهش خواهد یافت. در مورد شرکت‌ها، به علت بالاتر رفتن هزینه‌هاى تولید و کاهش تقاضای داخلی، فشارهاى ریسک

رو به افزایش است. در سال جاری انتظار می‌رود شرکت‌ها، با حاشیه سود پایین‌تری فعالیت کنند. به ویژه شرکت‌هایی که عواید صادراتی ندارند یا ساختار سرمایه‌ای آنها شکننده است، از کاهش رشد و تضعیف پول ملی آسیب بیشتری می‌بینند. تضعیف لیر، هزینه‌های تولید شرکت‌ها را بواسطه‌ی واردات کالاهای واسطه‌ای و قیمت‌های بالاتر انرژی، افزایش می‌دهد. این شرایط، ریسک ورشکستگی را در بخش شرکتی پررنگ‌تر می‌سازد.

به علاوه، کشور دو انتخابات را در طول یک سال پیش رو دارد. اگر ریسک تنش‌های سیاسی، پیش از انتخابات افزایش یابد، ممکن است باعث بروز نوسان در بازار مالی و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران گردد؛ درست مانند آنچه که در ماه دسامبر و ژانویه پیش آمد. با در نظر داشتن کلیه این عوامل، کوفاس با دیدگاهی منفی، کشور ترکیه را ارزیابی نموده و در حال حاضر رتبه A4 را برای ریسک شرکتی این کشور در نظر می‌گیرد.

ساخت و ساز، به ویژه مسکن اولین بخشی است که از افزایش نرخ بهره و کاهش تقاضای داخلی متأثر خواهد شد. گرچه داده‌ها نشان می‌دهند ثبات تقاضای مسکن در فصل اول سال بیشتر از حد انتظار بوده است، اما این امکان وجود دارد که افزایش تورم و نرخ‌های بهره بر فروش دوره آتی تاثیر بگذارد. کسادی بخش ساخت و ساز، زمینه ریسک را برای شرکت‌هایی فراهم می‌آورد که فعالیت نزدیکی با این بخش دارند که از جمله آنها می‌توان به فولاد، فلزات و غیره اشاره نمود.

بخش منسوجات و پوشاک از بهبود اوضاع اقتصادی اروپا و تضعیف لیر منتفع می‌شوند، زیرا محصولات آنها در مقایسه با هم‌تایان خود، از توان رقابتی بالاتری برخوردار خواهد شد. این شرکت‌ها از قبل مزایایی نظیر نزدیکی به کشورهای اروپایی، توانایی پاسخگویی به تقاضاهای سریع مد و غیره را داشته‌اند. گرچه تقاضای داخلی کاهش خواهد یافت، اما انتظار نمی‌رود کاهش فروش به سرعت انجام گیرد. ریسک اصلی، نوسان قیمت مواد خام نظیر کتان است.

درخصوص صنعت خودرو، ریسک‌های متنوعی وجود دارند. فروش خودروی مسافری به کسری تجاری کمک نموده و آن را به حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسانیده است. بخش خودرو از افزایش مالیات و اقدامات محدودکننده بر وام خودرو، آسیب خواهد دید. افزایش قیمت‌ها به علت کاهش ارزش لیر و بالا بودن سطح نرخ بهره، تقاضای داخلی را برای محصولات خودرو کاهش خود داد. گرچه بهبود بازارهای اروپا و کاهش ارزش لیر، عملکرد صادراتی این صنعت را حمایت خواهد کرد.

صندوق ضمانت صادرات ایران بعنوان اولین موسسه اعتبار صادراتی تاسیس شده در خاورمیانه با صدور انواع بیمه نامه‌ها، ضمانت نامه‌ها و ارائه سایر خدمات مالی از صادرکنندگان کشور حمایت می‌نماید. در بیمه‌نامه‌ها ریسک عدم وصول مطالبات صادرکنندگان، سرمایه‌گذاران و یا بانکهای تامین مالی کننده ایشان از خریداران خارجی و بانکهای خارجی در بازارهای هدف تضمین می‌گردد. ضمانتهای صندوق نیز به صادرکنندگان در جذب تامین مالی از بانکها، قبل و بعد از حمل کمک می‌نماید. اعتبار سنجی خریداران خارجی و سایر خدمات صندوق نیز در بسیاری از موارد راهگشای صادرکنندگان، سرمایه‌گذاران و بانکهای ایرانی فعال در حوزه صادرات می‌باشد. نقشی که این موسسه در ایران ایفا می‌نماید همان نقشی است که در آلمان بر عهده هرمس، در ایتالیا: ساچه، در فرانسه: کوفاس، در ژاپن: Nexi و در چین بر عهده Sinosure قرار دارد. مدیریت ریسک صندوق بمنظور کاهش ریسک صادرات و سرمایه گذاری ایرانیان در سایر کشورها و همچنین اطلاع رسانیهای لازم، ضمن ارزیابی ریسک بانکها و کشورها، اقدام به تهیه یا ترجمه گزارشات مختلف در حوزه های ریسک کشوری، اوضاع اقتصادی، تامین مالی، بیمه اعتباری، فعالیت هم‌تایان و سایر موارد مرتبط می‌نماید.